

زن در اندیشه جنبش‌های اسلامی معاصر در مشرق عربی^۱

بشار حسن یوسف*

فاطمه عقیلی (العکیلی)**

چکیده

موضوع زن در دهه‌های اخیر محل توجه پژوهشگران و نویسندگان قرار گرفت، به‌ویژه پس از افزایش گفت‌وگوهای درباره اهمیت نقش زنان در جامعه و برابری آنها با مردان و در نظر گرفتن میزان مشارکت زنان در بخش‌های تازه‌ایجادشده. جنبش‌های اسلامی بر اساس مفاهیم اسلامی که در قرآن و سنت ذکر شده‌اند به زنان اهتمام ورزیدند. این مفاهیم مسلمانان را به لزوم توجه به زن و احترام به حقوق و جایگاه اجتماعی وی دعوت می‌کند. اهمیت این پژوهش در آشکارکردن نگرش جنبش‌های اسلامی به زنان، یعنی در حق تحصیل، حق مشارکت سیاسی و مشاغل عمومی است. این پژوهش از یک مقدمه و سه بخش تشکیل شده است. بخش اول به وضعیت زن در قرآن و سنت می‌پردازد؛ بخش دوم زن در اندیشه پیش‌گامان نهضت اسلامی را بررسی می‌کند؛ و بخش سوم به نگرش جنبش‌های اسلامی به زنان می‌پردازد که از طریق پرداختن به آموزش آنها و مشارکت سیاسی‌شان در قالب ورود به انتخابات و عضویت در پارلمان، علاوه بر مشاغل عمومی، است. در نهایت، این پژوهش به نتایج مهمی رسید که مهم‌ترین آن این است که هر جنبش اسلامی با توجه به فهم خود از قرآن و سنت به موضوع زن پرداخته است. همه این جنبش‌ها در آموزش زنان و نیز شرکت در انتخابات به اتفاق رسیده‌اند، اما نقطه اختلاف در بین جنبش‌های اسلامی در دو مسئله عضویت در پارلمان و مشاغل عمومی بوده است.

کلیدواژه‌ها: زنان، جنبش‌های اسلامی معاصر، مشرق عربی، قرآن، سنت.

۱. مشخصات کتاب‌شناختی این اثر چنین است:

«المرأة فی فکر الحركات الاسلامیة المعاصرة فی المشرق العربی»، در: *أبحاث كلية التربية الأساسية، المجلد ۷، العدد ۳، ۲۰۰۸، ص ۲۴۹-۲۷۸.*

* استادیار دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه موصل basharhassanyoussef@yahoo.com

** دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی زن در ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب neshat33@yahoo.com

مقدمه

زنان نیمی از جامعه و نیمی از ملت شمرده می‌شوند که عهده‌دار تولید نسل‌های آینده از مردان و زنان و راهنمایی آنها در رشد و اصلاح و تعهد، و پرورش باورها در روح و روان هستند (العریان، ۲۰۰۴: ۴۲). زنان با ظهور و گسترش اسلام در سراسر سرزمین‌های عربی از موقعیتی عالی و معتبر برخوردار شدند. این جایگاه اساسی به برخی تغییرات تدریجی آداب و رسوم سنتی، به‌ویژه در مرحله قبل از اسلام باز می‌گردد (الحاج سعید، ۲۰۰۶: ۱۵). پس، اسلام مقام زنان را ارتقا بخشید و آنها را در معرض عنایت و توجه مردان قرار داد و زن را حامی قوی‌ای در خانواده شمرد، و برای او نقش بسزایی در تشکیل خانواده مسلمان قائل شد. پس شریعت اسلامی هیچ جنبه‌ای از زندگی زنان مسلمان را نادیده نگرفته و مستقیماً بر زندگی روزمره آنها تأثیر می‌گذارد (الطحان، ۱۹۹۹: ۱۴۵). شریعت اسلامی، علاوه بر حقوق سیاسی، همه حقوق مذهبی، اجتماعی، و اقتصادی را برای زن تضمین کرده است؛ همچنین، حقوق برابری در پاداش، اصل آفرینش، طلب دانش، شورا، بیعت و ... در نظر گرفته است (الحاج سعید، ۲۰۰۶: ۱۵-۱۷).

وضعیت اجتماعی زنان در سایه اسلام چندان ادامه نیافت. زیرا عوامل متعددی در بازگشت نگرش قهقرایی به زن در جامعه عرب تأثیر داشت؛ علاوه بر متغیرهای سیاسی که از اواخر حکومت عباسی تا اواخر قرن ۲۰ در کشورهای عربی و اسلامی رخ داد، عواملی همچون تغییر وضعیت اجتماعی و پیشرفت تمدن اسلامی، و آداب و رسوم سرزمین‌های مختلف اسلامی بر آن تأثیر گذاشت؛ به‌ویژه پس از آنکه هرج و مرج و ناامنی افزایش یافت، توجه به زنان کاهش یافت. این عوامل بر زنان تأثیری منفی گذاشت (السباعی، بی تا: ۴۶).

پس از اینکه کشورهای عربی زیر سلطه حکومت عثمانی رفتند (۱۵۱۴-۱۹۱۶) از توجه به زنان کاسته شد و به تدریج حقوق و امتیازاتی که در دوران نخستین عصر اسلامی به دست آورده بودند کاهش یافت، و در قرن نوزدهم زنان به طور کامل از هر گونه فعالیت در جامعه، منزوی، و محصور به قیود شدند (الحاج سعید، ۲۰۰۶: ۲۹).

مشرق عربی در قرن بیستم شاهد بروز چندین جنبش اسلامی بود که این جنبش‌ها در زمینه سیاسی در جامعه عرب حضور چشم‌گیری داشت، و این باعث شد این جنبش‌ها در ادبیات خود راجع به مسائل جامعه به طور عام، که مسائل زنان را هم در بر می‌گرفت، بی‌اعتنا نباشند. این جنبش در گروه اخوان المسلمین، حزب التحریر، حزب الدعوة الاسلامی و جنبش مقاومت اسلامی (حماس) تمثیل یافت (حسن یوسف، ۲۰۰۵: ۳۵).

اخوان المسلمین یکی از اولین جنبش‌های اسلامی (قادر، ۲۰۰۴: ۱۳۲) دانسته می‌شود که به دست شیخ حسن البنا^۱ در شهر اسماعیلیه مصر در مارس ۱۹۲۸ تأسیس شد (زهمول، ۱۹۷۹: ۷۶). یکی از اهداف این جنبش تأکید بر احترام و وجود زن، و نقش وی در جامعه در چارچوب فضیلت‌های اسلامی بود (الاسمر، ۱۹۹۹: ۶۴). این جنبش در میان زنان، پذیرش بسیار یافت (جامع، ۲۰۰۳: ۱۷). بخش خواهران مسلمان همان ابتدا در قاهره تأسیس شد و نقش زنان در جامعه و جهاد را به رسمیت شناخت (البنا، ۱۹۹۰: ۲۱۴).

حزب التحریر دومین جنبش از جنبش‌ها بود که به دست شیخ تقی‌الدین النبهانی^۲ در شهر قدس در فلسطین و در ۱۹۵۳ تأسیس شد (بیانیه حزب التحریر، یونیو ۱۹۵۳). النبهانی تأکید داشت که این جنبش جنبشی سیاسی است که مبتنی بر اسلام است و به لزوم برپایی امت اسلامی و آزادی امت از اندیشه‌ها (ی کفرآلود و نظام‌ها و حاکمانش) (حزب التحریر، ۱۹۸۵: ۲) و احیای خلافت اسلامی دعوت می‌کرد (البرغوثی، ۱۹۹۹: ۱۳۰) و گروهی از مردان و زنان مسلمان به این جنبش پیوستند (حزب التحریر، ۱۹۸۵: ۲).

حزب الدعوة الاسلامیه به دست محمدباقر صدر^۳ در کربلا^۴ در اواخر تابستان ۱۹۵۸ تأسیس شد. محور اهداف این حزب تغییر اندیشه‌ها در جامعه و انتشار افکار اسلامی و مبارزه با اندیشه‌های قومی (ملی‌گرایی) و سوسیالیسم بود (مدیریه الامن العامة، بی‌تا: ۳). این حزب، از طریق آنچه خواهر مؤسس آن (بنت‌الهدی) انجام می‌داد به زنان مستعد اهتمام می‌ورزید. زیرا ایشان نقش مستقیمی در تقویت و ارتباط وثیق بین صدر و زنان داشت (الصدر، ۲۰۰۲: ۳۳).

جنبش مقاومت اسلامی (حماس)، که یکی از بال‌های مسلح اخوان المسلمین در فلسطین شمرده می‌شود (ابوعمر، ۱۹۹۳: ۸۶-۸۷) در دسامبر ۱۹۸۷ به دست الشیخ احمد

یاسین^۶ تأسیس شد. هدف این جنبش، علاوه بر اهداف دیگری مانند حفظ وحدت ملی و تقویت و تحکیم روابط جهان عرب، برپایی دولت اسلامی و آزادی کامل فلسطین بود (برهومه، ۱۹۹۹: ۶۱-۶۲).

مبحث اول: زن در قرآن و سنت

آیات و روایات شریعت اسلامی بر جایگاه زنان در ساخت جامعه تأکید می‌کند. پس اسلام منزلت و ارزش زن را اعتلا بخشید و زن را همتای مرد و شریک او در زندگی دانست، و علاوه بر حقوق سیاسی زن، تمام حقوق شخصی و مدنی او را به رسمیت شناخت (البناء، ۱۹۹۰: ۶). خداوند بین مردان و زنان در اصل آفرینش تساوی برقرار کرد. در چندین آیه از قرآن (محمد، ۲۰۰۶: ۱۱) به اصل یگانه آفرینش، که مردان و زنان از همان یک اصل آفریده شده‌اند، اشاره شده است. خداوند فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» (نساء: ۱)؛ و نیز فرمود: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ» (انعام: ۹۸)؛ و فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳).

همچنین، اسلام، علاوه بر برابری مردان و زنان در برخی تکالیف شرعی و پاداش و عقاب اخروی، در برخی امور فطری^۷ هم که عموماً به طبیعت بشر باز می‌گردد و تفاوتی اساسی در هر دو جنس ندارد (بلتاجی، ۲۰۰۰: ۶۳)، بین مردان و زنان برابری قرار داده است (همان: ۸۵). همان‌گونه که خداوند فرمود: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يظْلَمُونَ نَقِيرًا» (نساء: ۱۲۴).

در عین حال، سنت نبوی جایگاه زن را اعتلا بخشید؛ آن هنگام که پیامبر در پاسخ به یکی از صحابه خود که پرسیده بود «ای رسول خدا! چه کسی را بیشتر دوست داری؟» فرمود عایشه (النیسابوری، ۲۰۰۲: ۱۳/۴)، و در روایت دیگری همین پرسش را از پیامبر پرسیده بودند و ایشان فاطمه (ص) را ذکر کرده بود (همان، ۲۱۷)؛ و نیز چندین حدیث دیگر که مقام و شأن زن را اعتلا می‌بخشید، مانند قول پیامبر که فرمود: «با زنان

به نیکی رفتار کنید» (النسائی، ۱۹۹۱: ۳۷۲/۵) و نیز فرمود: «زنان همتای (همسان) مردان هستند» (السجستانی، بی‌تا: ۶۱/۱).

از سوی دیگر، اسلام خواستار آموزش زنان بود و برای این هدف کوشید (محمد، بی‌تا: ۲۵). این مطلب از چندین آیه که در قرآن وارد شده و بر ضرورت علم و تعلیم و ترغیب به آن تأکید می‌کند، فهمیده می‌شود. خداوند می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹)؛ و می‌فرماید: «أَتَمَّا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸)؛ و نیز می‌فرماید: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله: ۱۱).

همچنین، احادیث نبوی مردان و زنان را به طلب علم تشویق می‌کند، و روایاتی را می‌یابیم که بر تشویق زنان آزاد یا برده تأکید می‌کند (العک، ۲۰۰۳: ۱۱۳). پیامبر فرمود: «جست‌وجو و تحصیل علم بر هر مسلمانی فرض و واجب است» (الطبرانی، ۱۹۹۹: ۵۵۲/۱) و بخاری در صحیح خود از قول پیامبر نقل می‌کند: «هر مردی که کنیزکی نزد او باشد، او را تعلیم دهد و خوب تعلیم دهد و او را پرورش دهد و خوب پرورش دهد، سپس او را آزاد کند و شوهر دهد، دارای دو پاداش خواهد بود» (البخاری، ۲۰۰۳: ۵۶۰/۲). روایت شده است که پیامبر امور دینی را در مسجد به مردان و سپس به کودکان و سپس به زنان می‌آموخت، اما زنانی که در وضعیت خاصی بودند و مسئله یا سؤالی شرعی داشتند و شاید حیا یا دلایل دیگری باعث می‌شد در برابر مردان سؤال خود را از پیامبر نپرسند، به پیامبر اطلاع دادند و از ایشان طلب کردند که عده‌ای از زنان جلسه‌ای را با پیامبر برگزار کنند تا مسائل خود را برایشان تبیین کنند. پیامبر اکرم این کار را انجام دادند (ابوفارس، ۲۰۰۰: ۱۰۵؛ محمد، بی‌تا: ۲۷). ابی سعید روایت می‌کند که: «گروهی از زنان به محضر پیامبر شرفیاب شدند و گفتند گویا مردان در آموختن و دانش آموختن از شما، بر ما پیشی گرفته‌اند. پس روزی از روزهایت را ویژه آموختن و پرورش زنان کن. پیامبر به ایشان وعده داد که یک روزش را به آنان اختصاص دهد، آنان را موعظه کند و بدیشان دین و دانش بیاموزد» (البخاری، ۲۰۰۳: ۳۶/۲). بنابراین، اسلام بین مردان و زنان در لزوم اهمیت تربیت و پرورش هر کدام برای ایجاد زندگی‌ای سالم و نیکو، تساوی برقرار کرده است (بلتاجی، ۲۰۰۰: ۳۰۹).

در خصوص اصل شورا، که اسلام آن را تأیید کرده و بین حاکم و مردم به آن سفارش کرده است، نیز هیچ فرقی بین مردان و زنان قرار نداده است (محمد، ۲۰۰۶: ۸۲)؛ و خداوند در چندین آیه ما را راهنمایی کرده است، آنگاه که فرمود: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (شوری: ۳۸). پس زن مسلمان نقش خود را در شورا، که یکی از اساسی‌ترین روابط اجتماعی سیاسی در جامعه و دولت شمرده می‌شود، ایفا کرد (الطحان، بی‌تا: ۱۱۹).

هنگامی که بیعت، پیمانی سیاسی بین مردم و حاکم، برای عمل به دین خداوند و اطاعت از فرمان او و سرپیچی نکردن از اوامر خداوند و امر به معروف و نهی از منکر و گفتن سخن حق، هر چند تلخ، بود، و به موجب بیعت، امت اسلامی پیروز می‌شد، اسلام، در بیعت، حق مشارکت را به زنان داد؛ و نیز شریعت اسلامی حق بیعت زنان با پیامبر را، همانند مردان، به آنها داد. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعُكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يَشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ» (ممتحنه: ۱۲)؛ و نیز می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه: ۷۱)؛ برخی معتقدند این آیات قرآنی دلالت آشکاری دارد بر اینکه زنان می‌توانند دیدگاه‌های خود را مطرح، و حتی حاکمان را نقد یا امر به معروف و نهی از منکر کنند، مشروط به اینکه به آنچه می‌گویند علم داشته باشند؛ اما انتخابات مشهور معاصر از سیاق آیه مذکور استنتاج نمی‌شود (الباجوری، ۱۹۸۷: ۱۵۳/۲).

نکته در خور توجه این است که در بیعت عقبه دوم در سال ۶۲۱، زنان با مردان بدون مصافحه پیامبر مشارکت داشتند، همان‌گونه که در بیعت رضوان در سال ۶۲۷ (النيسابوری، بی‌تا: ۱۴۸۹/۳) شرکت داشتند. با مشارکت زنان در بیعت، آنها در ساخت تمام زمینه‌های جامعه به پا خاستند.

از سوی دیگر، در مسئله امامت برخی از فرق اسلامی به ضرورت ذکوریت روی آوردند (المتوکل، ۲۰۰۵: ۱۰۸) و به آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء: ۳۴) استدلال کردند، به گونه‌ای که تأکید در اینجا ضرورت تمرکز بر مردان در این مسئله است؛ علاوه بر قول پیامبر که فرمود: «لَنْ يَفْلَحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمْرَهُمْ امْرَأَةٌ»^۷ (النسائی، ۱۹۹۱: ۴۶۵/۳).

پس اساس در همه احکام شرعی برابری زنان با مردان است، مگر آنکه متنی یافت شود که منحصر به یکی از آن دو باشد. در قرآن و سنت صحیح نبوی نصی یافت نمی‌شود که زنان را از حق آموزش یا انتخابات یا عضویت در پارلمان منع کند (بلتاجی، ۲۰۰۰: ۲۲۷).

درباره مسئله قضاوت زنان، بین علما اختلاف واقع شد. برخی همچون ابن جریر طبری و ابن حزم، قضاوت زنان را فقط در مسائلی جایز می‌دانند که در آن شهادت زنان به تنهایی یا همراه با مردان پذیرفته است (الباجوری، ۱۹۸۷: ۱۰۹). برخی دیگر قضاوت زنان را به طور کلی جایز نمی‌دانند. اما اباحنیفه نگرشی میانه بین دیدگاه طبری و نظر دوم اخذ کرده است. وی قضاوت زنان را فقط در مسائل مالی می‌پذیرد. دلیل وی قیاس است؛ چراکه شهادت زنان در مسائل مالی جایز است. بنابراین، بالقیاس قضاوت ایشان نیز چنین است (الطحان، بی‌تا: ۶۸).

نقل‌هایی وجود دارد که واگذاری مسئولیت «الحسبه»^۸ به زنان را می‌پذیرد و در قرن اول هجری رواج داشت، و بر اساس پیش‌فرض نقل‌های موجود، برخی از علمای مسلمان جایز دانستند که زنان عهده‌دار این جایگاه حساس در دولت اسلامی باشند (محمد، ۲۰۰۶: ۸۴). برخی شواهد تاریخی وجود دارد که دلالت بر این مسئله می‌کند، مانند سمراء دختر نهبیک اسدی که در بازارها امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد، و مردم را با تازیانه از منکر باز می‌داشت (همان).

با وجود این، به سبب رحمت اسلام بر زن است که او را مجبور به کار در خارج از خانه خود نمی‌کند. بلکه مردان را مکلف به چنین فعالیت‌هایی کرده است؛ و از اعتدال اسلام این است که به وقت ضرورت و نیاز، به زن حق اشتغال داده است. مثلاً برای برآورده شدن نیاز زنان یا نیاز جامعه که مستلزم خروج زنان از خانه برای کارکردن باشد (مثلاً برای طبابت و پرستاری زنان یا تعلیم آنها و تبلیغ و ترویج دین)، و سایر چیزهایی که مستلزم حضور زنان در جامعه است، اسلام با رعایت کرامت و شخصیت زن و حفظ او از گزند و آسیب‌های جامعه، این اجازه را به او داده است (همان: ۱۱۸).

مبحث دوم: زنان در اندیشه پیش‌گامان نهضت اسلامی معاصر

پیش‌گامان نهضت معاصر در نوشته‌های خود به موضوع زنان پرداختند، به گونه‌ای که هر نویسنده مطابق با فرهنگ اسلامی خود، به این موضوع توجه کرد. برخی از این افراد آنچنان تأثیرگذار بودند که بعدها باعث ایجاد جنبش شدند. تمرکز این پژوهش بر روی برخی از این پیش‌گامان با تمرکز بر پیش‌گامان اسلامی است. شیخ رفاعه رافع الطهطاوی^۹ اولین کسی بود که بر لزوم برابری بین مردان و زنان در زمینه آموزش تأکید داشت، و حتی بالاتر از آن وی از اولین پیش‌گامانی بود که خواستار آموزش زنان عرب شد، و آن را یکی از حقوق مشروع زنان دانست (حجازی، ۱۹۷۴: ۳۲). برخی معتقدند طهطاوی، بعد از مشاهده سطح فرهنگی زن غربی که از طریق آموزش بدان رسیده است، مستقیماً به آموزش زنان عرب پرداخت. وی دست به ابتکار آموزش زنان عرب و برابری آنها با مردان زد، و اینها را حقی از حقوق مشروع زنان عرب دانست (الحاج سعید، ۲۰۰۶: ۲۰۷).

شایان ذکر است که طهطاوی کوشید مشروعیت آموزش زنان را از منظر اسلامی نشان دهد. بنابراین، به ضرورت آموزش زنان و تأکید اسلام بر آن استناد کرد، حتی بالاتر از آن تأکید داشت که هیچ ضرری در علم وجود ندارد (الطهطاوی، ۱۹۷۳: ۳۹۴). علاوه بر آن، طهطاوی بر اثبات سخن خود در اهمیت علم به نمونه‌هایی از زنان پیامبر اشاره کرد. وی به عایشه و حفصه، دختر خلیفه دوم، همسران پیامبر که خواندن و نوشتن را می‌دانستند، و البته دیگر زنانی که مثل ایشان بودند، اشاره می‌کند (همان؛ الشیال، ۱۹۵۸: ۹۶).

الطهطاوی بدین‌جا بسنده نکرد، و بین تعلیم و تربیت، و پیشرفت جامعه‌ای که انسان در آن زندگی می‌کند و تفاوتی بین دختران و پسران در آن جامعه دیده نمی‌شود، پیوندی برقرار کرد؛ بلکه تربیت یکسان (دختران و پسران) را یکی از عوامل پیشرفت جامعه دانست (حجازی، ۱۹۷۴: ۶۹). طهطاوی ترجیح می‌دهد زنان علمی همچون خواندن، نوشتن، قرآن، علوم دینی، علوم ریاضی، و نحو را بیاموزند (الطهطاوی، ۱۹۷۳: ۳۸۷). از سوی دیگر، طهطاوی بر ضرورت ورود زن به مشاغل عمومی مختلف تأکید می‌کند، مشروط به اینکه حرفه‌ای که برمی‌گزیند به اخلاق و سلوکش آسیبی وارد نکند (حجازی، ۱۹۷۴: ۸۸).

برخی معتقدند دعوت طهطاوی به اشتغال زنان در آن زمان، دعوتی جسورانه بود که جامعه عرب تا قبل از آن با آن آشنا نبود. وی تأکید می‌کرد فعالیت برای زنان ضروری است. زیرا او را از ابتدال دور می‌سازد و از رذایل حفظ می‌کند؛ و زن از طریق اشتغال استقلال مالی به دست می‌آورد و اشتغال باعث می‌شود از زن وجود آزاد مستقلمی ساخته شود (شیال، ۱۹۵۸: ۶۹).

طهطاوی زنان را از دو سمت قضاوت و ولایت برحذر می‌دارد. زیرا اسلام چنین امر کرده است (الحاج سعید، ۲۰۰۶: ۲۲۴). وی می‌گوید: «همانا شریعت محمدی و قوانین غالب پادشاهان، سلطه را در انحصار مردان می‌داند، و زنان درجه‌های پادشاهی را دریافت نمی‌کنند و تاجی بر سر نمی‌نهند، بلکه توارث پادشاهی در سلسله مردان است» (الطهطاوی، ۱۹۷۳: ۴۴۷).

اما جمال‌الدین افغانی^۱ دیدگاه خاصی درباره زنان داشت، که به اشاره و اختصار نگاشت (المخزومی، ۱۹۹۵: ۶۵). برخی معتقدند وی علاقه‌ای به ورود در موضوعات زنان نداشت. زیرا راجع به این موضوعات تعصب و نفرت داشت (همان، ۷۰). با وجود این، افغانی پاسخ برخی پرسش‌ها درباره برابری زنان با مردان و نیز آموزش زنان را داد. افغانی برابری زنان با مردان را، به‌ویژه در امور فطری و آفرینش، تأیید نمی‌کند (همان: ۶۷). از سوی دیگر، افغانی مانند زنان در منزل با هدف تربیت فرزندان را مهم دانست، با این توضیح که خروج زن از منزل از ارزشش می‌کاهد و سختی و دشواری برای او ایجاد می‌کند. زیرا ضروری که در ترک منزل و تربیت فرزندان وجود دارد، از منفعتی که قرار است بیرون از منزل به دست آورد خیلی بیشتر است (عماره، ۱۹۷۰: ۲۷۹).

افغانی بر خانه‌داری زنان و تمرکز بر تربیت فرزندان تأکید می‌کرد، و ارزش این دو شغل را بسیار بالاتر از شغل مردان در جامعه می‌دانست. وی تأکید داشت که هیچ کس جز زن نمی‌تواند جامعه را برای مردان آماده کند (المخزومی، ۱۹۹۵: ۷۳-۷۴). وی برابری زنان و مردان را، به‌ویژه در حقوق سیاسی، با توجه به فقدان مشابهت و قیاس‌ناپذیری وضعیت سیاسی زنان امروز با خروج خانم عایشه در جنگ جمل، تأیید نمی‌کرد. زیرا این صرفاً حادثه‌ای استثنایی است و نمی‌توان از آن با عنوان قاعده کلی نام برد (محمود، بی‌تا: ۵۶۰).

از محمد عبده^{۱۱} مواضع آشکاری درباره زنان به جای مانده است. زیرا در بسیاری از زمینه‌ها از زنان دفاع می‌کرد. وی تأکید داشت که دین اسلام در بسیاری از زمینه‌های دینی به برابری زنان و مردان اشاره کرده است (العقاد، بی‌تا: ۲۲۸) و به آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۲۸) استشهاد کرد. بر این اساس، عبده به آموزش زن مسلمان عرب دعوت کرد. زیرا تحول شگرف و مثبتی در وضعیت اسفناک زنان به وجود می‌آورد، و این فرصت را برای زنان مهیا می‌کند تا وظایف و حقوق خود را بیشتر و بهتر بشناسند. در عین حال، زن مبنایی برای تغییر در زندگی مردان و همه اعضای خانواده است (الحاج سعید، ۲۰۰۶: ۲۴۰). عبده به این مطلب بسنده نکرد، و افزود که ندادن فرصت به زنان مسلمان برای آموزش و یادگیری، جرمی آشکار است و نباید اجازه داد زنان مسلمان در زندان‌های جهل زندانی باشند (امین، ۱۹۶۵: ۲۴۰).

برخی معتقدند عبده از همان ابتدا ندای تعلیم زنان را سر داد. وی آرزو داشت که برخی زنان روشنفکر و تحصیل کرده انجمن زنانی را با هدف تأسیس مدارس دخترانه تشکیل دهند (عمار، ۱۹۷۲: ۱۷۲). وی به این حد اکتفا نکرد، بلکه کوشید روشی را برای آموزش دختران پایه‌ریزی کند؛ روشی که شامل علوم ضروری همچون خواندن و نوشتن و حفظ قرآن و علوم ریاضی شود (الحاج سعید، ۲۰۰۶: ۲۳۹).

عبدالرحمن الکوکی^{۱۲} هنگامی به زنان اهتمام ورزید که خواستار رسیدن آنها به فرهنگ متعالی بود و تحقق این هدف را در گرو آموزش و تشویق به آموزش زنان دانست و معتقد بود اگر اهمالی هم در این بین صورت گرفته، به دلیل ظلم و استبداد سیاسی است (عمار، ۱۹۷۰: ۷۹). کوکی بقای زنان در جهل را نکوهید و تأکید کرد که زنان باید به خانم عایشه و برخی از زنان صحابی و نیز زنان فرهنگی در دین اسلام اقتدا کنند (الکوکی، ۱۹۷۰: ۲۶۵).

محمد رشید رضا^{۱۳} به برابری زنان با مردان در حقوقی که اسلام به زنان اعطا کرده، فرا خواند (رضا، بی‌تا: ۱۷-۱۹) و بر سخن خود به آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۲۸) استناد کرد. استدلالی که رشید رضا بر سخن خود آورده این است که، خداوند متعال از زنان خواسته است در انجام دادن وظایفی همچون ایمان، معرفت، و اعمال صالح در عبادات و معاملات به پا خیزند، درست همان‌گونه که از مردان خواسته

است؛ و اشاره می‌کند که پیامبر اکرم (ص) به زنان دستور داد کتاب و حکمت بیاموزند (رضا، بی‌تا: ۱۷-۱۸). از این رو رشید رضا بر نیاز به آموزش زنان دعوت می‌کرد، و بر اینکه زنان می‌بایست معارف و آداب را بیاموزند، اما تصریح کرد که دین باید اساس و پایه تعلیم و تربیت باشد (ایبش، ۱۹۷۹: ۶۸). بر همین اساس، بر تربیت دینی‌اسلامی زنان تأکید داشت و آنها را به فراگرفتن علوم در منازل مسلمانان یا مدارس دینی یا مدارس انجمن‌های خیریه تشویق می‌کرد، و از تحصیل در مدارس غیرعربی باز می‌داشت تا بتوانند فرزندان خود را با تربیت دینی رشد دهند (رضا، ۱۹۳۴: ۵۴۷). از سوی دیگر، رضا سرپرستی زنان را در همه حرفه‌ها به جز منصب ریاست که در انحصار مردان است، بلامانع دانست. او اشاره کرد که همسران پیامبر و صحابه در زمان جنگ به جز برای آب‌دادن، تهیه غذا و پرستاری مجروحان حضور نمی‌یافتند. لذا به زنان اجازه داده شد در زمینه پزشکی فعالیت کنند (رضا، بی‌تا: ۱۹-۲۰).

از طریق آنچه در مبحث دوم گذشت، می‌توان گفت دغدغه پیش‌گامان نهضت اسلامی معاصر، برابری (تساوی) زنان و مردان در حقوق و تعلیم بوده است، و به مشارکت زنان در امور سیاسی پرداختند. زیرا در نوشته‌هایشان اثری از حضور زنان در سیاست نیست. شاید نپرداختن به وضعیت سیاسی زنان، به وضعیت آنها در آن زمان برمی‌گردد؛ وضعیتی که در آن، مسائل زنان با سنت‌های اجتماعی درآمیخته بود، یا نحوه تمرکز قدرت در دوره عثمانی که به دور از انتخابات بود و حاکمان از سوی پادشاهان تعیین می‌شدند.

مبحث سوم: دیدگاه جنبش‌های اسلامی معاصر دربارهٔ مسائل زنان

مسلمانان در طول تاریخشان، چه در اوج شکوه ملت اسلامی یا در زمان ضعفشان، نه در فعالیت سیاسی زنان و نه در هیچ فعالیت دیگری، با معضلی به نام «مسئله زنان» آشنا نبودند. زمانی که غرب، مشکلات و رنج‌های خود را برای انسان‌ها، از جمله مسلمانان، بازگو کرد، و نیز هنگامی که غرب در واکنش به عصر تاریکی در اروپا در صدد انتقال برخی مفاهیم غربی جدید برآمد، معضلی به نام «مسئله زن» آشکار شد (محمد، بی‌تا: ۷۹). جنبش‌های اسلامی معاصر کوشیدند به مسئله زن بپردازند. پایه تفکر

این جنبش‌ها بازگشت به قرآن، سنت، روش سلف صالح و نیز تفسیر ظاهری آیات قرآنی به عنوان راه حل صحیح از بحران تمدن و سیاستی بود که جهان اسلام گرفتار آن است (خضر، ۱۹۸۹: ۹۶۵).

اول. آموزش

جنبش‌های اسلامی معاصر در اندیشه‌های خود به زنان توجه بسیار کرده‌اند. جنبش اخوان المسلمین به تصریح پایه‌گذار این جنبش، حسن البنا، اقرار داشت که زن نیمی از جامعه است، بلکه بالاتر از آن نیمه مؤثری است که در زندگی هر شخص بیشترین تأثیر را دارد. زیرا اولین مدرسه است که نسل‌ها را به وجود می‌آورد و پرورش می‌دهد. بر اساس تصویری که کودک از مادرش دریافت می‌کند، آینده و سرنوشت مردم و مسیر ملت رقم می‌خورد. بنابراین، زن در زندگی جوانان و مردان به همان میزان نخستین شخص تأثیرگذار است (البنا، ۱۹۹۰: ۵).

البنا اشاره می‌کند که اسلام بر تربیت نیکوی زن از طریق آموزش تأکید دارد، و تشویق کرده است که زن خواندن، نوشتن، علوم ریاضی، علوم دینی، تاریخ سلف صالح، مبانی تربیت و سیاست تربیت فرزندان، و هر آنچه مادر در اداره منزل مراقبت از فرزند و خانواده به آن نیاز دارد بیاموزد (همان: ۹-۱۰). جنبش اخوان المسلمین بدین جا بسنده نکرد، بلکه در نامه‌ای که مرکز عمومی اخوان المسلمین تحت عنوان «زنان میان خانه و جامعه» صادر کرد بر حقوق تعلیمی زنان در تمام مراحل تأکید کرده است (الطحان، بی‌تا: ۱۲۱).

شایان ذکر است که البنا مردم را برای احیای اخلاق عمومی و احساس مسئولیت اجتماعی دعوت کرد، و به موضوع زن به گونه‌ای پرداخت که علی‌رغم مراقبت از وی جایگاهش را ارتقا بخشید؛ و برنامه درسی آموزش دختران را بازنویسی کرد، به گونه‌ای که با فطرت و وظایف خود در زندگی منطبق باشد (عبدالحمید، ۱۹۹۹: ۲۷). با وجود این، البنا به جز هنر و حقوق، یادگیری علوم دیگر و زبان‌های مختلف و تسلط زنان به آن را تأیید نمی‌کرد. زیرا علوم بیهوده‌اند و بهتر است زن وقت خود را صرف اموری کند که به کار او می‌آید (البنا، ۱۹۹۰: ۱۰-۱۱)؛ و این همان چیزی است که مصطفی السباعی^۴ بر

آن تأکید داشت. وی می‌گفت زن باید آموزش ببیند، به‌ویژه راجع به آنچه در امور زندگی و زناشویی مفید است (السباعی، ۲۰۰۰: ۱۶۶).

گروه اخوان‌المسلمین بر ضرورت تربیت و تعلیم زنان تأکید داشت. زیرا باید برای پذیرش و عهده‌دار شدن وظیفه اصلی‌شان در زندگی به عنوان همسر و مادر آماده شوند. به آنان اجازه داد پزشکی، پرستاری و معلمی را پی بگیرند، همان‌گونه که به دختران اجازه داده شد به دانشگاه بروند و آموزش برابر ببینند، البته بعد از آنکه ارزش‌های اسلامی را بدانند و آن را رعایت کنند (میتشل، ۱۹۷۹: ۴۱۳). پس می‌توان نتیجه گرفت که جنبش اخوان‌المسلمین با مفاهیم اسلامی درباره نحوه تعامل با حقوق زنان در زمینه آموزش موافق است؛ یعنی اجازه‌دادن به زنان برای رسیدن به حق خویش در تعلیم.

حزب التحریر بر امکان آموزش و اشتغال زنان در تدریس مانند مردان تأکید داشت. زیرا اسلام به مسلمانان، اعم از زن و مرد، حق آموزش و تدریس را با هدف رشد و نشر فرهنگ اسلامی، داده است (راضی، ۲۰۰۶: ۱۴۳). حزب التحریر بدین جا بسنده نکرد، بلکه به ضرورت آموزش الزامی برای هر دو جنس در دو مرحله متوسطه و دبیرستان اشاره کرد، که باید حکومت به‌رایگان آموزش را برای همه مهیا کند (همان: ۲۶۴).

حزب الدعوه اسلامی به تشویق زنان بر یادگیری معارف و علوم فرهنگی‌ای فرا می‌خواند که او را برای کسب جایگاه طبیعی خود در جامعه شایسته می‌کند (منشورات حزب الدعوه، ۲۰۰۴: ۶۸). حزب الدعوه در بیانات خود اشاره کرد که زنان و مردان در آموزش و انتخاب هر علم و دانشی که به آن علاقه دارند برابرنند، و شایسته است هر کدام از دو جنس را، با رعایت ویژگی‌های نوعی که خداوند در فطرت هر کدام از آنها در روش‌های آموزشی نهاده است، برای مسئولیتی که در زندگی منتظرشان است مهیا کنیم؛ با این تبیین که این آمادگی تربیتی (پرورشی)، در خوش‌بختی مردان و زنان و پایداری (ثبات) زندگی و تعادل ساختار شخصیت برای هر دو تأثیرگذار است (همان: ۷۶).

جنبش مقاومت اسلامی (حماس) در منشورات خود بر لزوم آموزش زنان تأکید دارد، با این توصیف که زنان در سازمان جهادی نقش مادر، همسر یا خواهر را ایفا

می‌کنند. پس مهم‌ترین نقش را در مراقبت از منزل و رشد و تربیت فرزندان بر اساس مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی برگرفته از اسلام دارند، علاوه بر انجام دادن فرائض دینی که همه اینها برای آمادگی نقش جهادی‌ای است که در انتظار او است (منشور جنبش اسلامی حماس، ماده هفدهم).

در عین حال، حماس بر لزوم توجه به مدارس و روش‌هایی تأکید دارد که دختر مسلمان با آن رشد و پرورش می‌یابد تا مادری نیکو و آگاه برای نقشی شود که در جنگ آزادی‌بخش قرار است بر عهده بگیرد (همان). این جنبش از پسران و دختران محصل دعوت کرد به علم تمسک بجویند (اسناد جنبش مقاومت اسلامی حماس، سند ۱۹۹۰، ص ۱۸۳).

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که تمام جنبش‌های اسلامی به اتفاق آرا در خصوص ضرورت آموزش زنان و ضرورت تکمیل مراحل دانش توافق کردند تا بتوانند به جامعه خدمت کنند و فرزندان و خانواده‌شان را پرورش دهند.

دوم. مشارکت سیاسی

امروزه مسئله مشارکت سیاسی زن به معضلی برای جنبش‌های اسلامی تبدیل شده است. این جنبش‌ها در بررسی مشارکت سیاسی زن به دو مسئله جدی پرداختند؛ شرکت در انتخابات و عضو شدن در پارلمان (کاندیدا). هر جنبشی بر طبق ایدئولوژی و نگرش خود درباره مشارکت سیاسی زن، با این مسئله روبه‌رو شد.

۱. شرکت در انتخابات

انتخابات یعنی اختیار مردم برای انتخاب نمایندگانی که به منظور دفاع از حقوقشان و نظارت بر عملکرد دولت برمی‌گزینند. پس روند انتخابات نوعی روند وکالت (وکالت مردم به نماینده) است؛ و افراد برای انتخاب نماینده‌ای که از جانب آنان سخن بگوید و از حقشان دفاع کند، به مراکز رأی‌دادن مراجعه می‌کنند. زن به عنوان شهروند جامعه می‌تواند افرادی را انتخاب کند که برای دفاع از حقوقش به پا خیزند. تنها دلیل ممنوعیت زنان در رأی‌دادن اختلاط مردان با زنان در زمان رأی‌گیری بود؛ این در حالی است که اسلام از اختلاط زنان با مردان جلوگیری کرده، اما ممکن است در رأی‌گیری

اختلاط و حرمت‌هایی از این قبیل پیش بیاید. پس هر آنچه را خدا می‌خواست بپوشاند کشف می‌شود (السباعی، ۲۰۰۰: ۱۵۵).

عملکرد جنبش‌های اسلامی در این مسئله آشکار بود. انجمن خواهران مسلمان گروه اخوان‌المسلمین در ۱۹۴۷ پیامی با عنوان «همراه زن مسلمان» صادر کرد که در آن، اهداف انجمن خواهران مسلمان روشن شد. در این پیام بر حقوق انسانی زن که از قرآن کریم و نظام اسلامی برگرفته شده تأکید شده است (الطحان، بی‌تا: ۱۲۰-۱۲۱؛ زهمول، ۱۹۸۵: ۱۹۰).

گروه اخوان‌المسلمین بیانیه‌ای صادر کرد که در آن دموکراسی^{۱۵} و حقوق سیاسی زن را می‌پذیرد. پس در آخرین بیانیه‌ای که این گروه در ۱۹۹۴ درباره مشارکت زن در انتخابات صادر کرد، بر این مسئله تأکید شد که شرکت زنان همپای با مردان در انتخاب اهل الحل والعقد یعنی مجلس شورا، پارلمان یا مانند آن، وظیفه است (الواعی، ۲۰۰۱: ۲۵۲)؛ و بر سخن خود به آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه: ۷۱) استدلال کردند. در عین حال، دکتر مصطفی السباعی به امکان مشارکت زنان در انتخابات و حق داشتن آنها برای دفاع از حقوق خود در مقام شهروند اشاره کرد. وی افزود هیچ نصی در اسلام وجود ندارد که از این حق زنان جلوگیری کند (بلتاجی، ۲۰۰۰: ۲۸۱).

حزب التحریر، بر ضرورت مشارکت زنان در انتخاب رئیس‌جمهور خود، حاکم یا نماینده مجلس تأکید کرد. بر این اساس است که شریعت به زنان حق انتخاب خلیفه یا امیر را داده است. زیرا زنان در تاریخ اسلام، در انتخاب خلیفه مشارکت داشتند (النبهانی، ۲۰۰۳: ۸۵). شیخ تقی‌الدین النبهبانی تأکید کرد که شریعت اجازه می‌دهد زنان امتیازات سیاسی بگیرند و حاکم را انتخاب کنند و هر مردی را برای هر عمل حکومتی برگزینند. بنابراین، زنان مجاز به بیعت و انتخاب خلیفه خود هستند (همان: ۸۵).

حزب الدعوه هم‌نوی با حزب التحریر تأکید کرد که به زنان فرصت می‌دهد حق رأی سیاسی خود را به دست آورند (همان: ۶۷) و کوشید راه را برای ورود زنان به انتخابات و شرکت در آن هموار کند (همان: ۶).

جنبش مقاومت اسلامی (حماس) مشارکت زنان در انتخابات را تأیید کرده است. زیرا شرکت زنان در روند و نتایج انتخابات از طریق رأی دادن به نمایندگان بسیار مهم است، و این جنبش به لزوم شرکت زنان در انتخابات اقرار کرد. برخی معتقدند زنان از طریق رأی دادن عامل اصلی پیروزی حماس در رسیدن به قدرت بودند (www.islamonline.net).

۲. مشارکت در پارلمان

پارلمان یکی از بخش‌های نظام مردم‌سالاری مدرن است. در حکومت‌های امروزی که قانون اساسی دارد، قانون‌گذاری نامیده می‌شود^{۱۶} و سه عملکرد اساسی دارد:

۱. عملکرد مالی، که بودجه دولتی را کنترل می‌کند.
۲. عملکرد سیاسی، که قوای اجرایی را کنترل می‌کند.
۳. قانون‌گذاری، که شامل تصویب قوانین ضروری برای عملکرد دولت است (الخیاط، ۲۰۰۴: ۲۳۳).

به میزان اختلاف جنبش‌های اسلامی در تفسیر و درک گزاره‌های اسلامی، نگرش‌شان به مسئله مشارکت زن در پارلمان متفاوت است. اخوان المسلمین تأکید داشتند که هیچ دلیل شرعی موثقی بر منع عضویت زن در پارلمان وجود ندارد (الطحان، بی‌تا: ۱۲۳؛ العریان، ۲۰۰۴: ۵۴؛ الواعی، ۲۰۰۱: ۲۵۳). در عین حال، دکتر یوسف القرضاوی مشارکت زنان در شوراهای مردمی یا پارلمان را ممکن دانست و بر لزوم حفظ زنان در روابط با مردان از هر چیزی که با احکام اسلام مغایرت دارد تأکید کرد، مانند نرمش در صدا، پوشش نامناسب، اختلاط با بیگانه یا اختلاط بدون هیچ حد و مرزی (القرضاوی، بی‌تا: ۱۶۴).

با وجود این، دکتر مصطفی السباعی با مشارکت زن در پارلمان مخالف است، با این توجیه که اختلاط زنان با مردان بیگانه، به‌ویژه خلوت با مرد بیگانه در اسلام حرام است؛^{۱۷} نیز آشکارکردن بدن غیر از آنچه اسلام آن را جایز دانسته (صورت و دستان)^{۱۸} حرام است، و سفر زن به خارج از کشورش بدون وجود محرم، در اسلام مجاز نیست (السباعی، ۲۰۰۰: ۱۵۷).

برخی معتقدند دلیل مخالفت سباعی با مشارکت زنان در پارلمان، مصلحت اجتماعی، و نیز حوادث دردناکی است که در استفاده از این حق در سوریه رخ داده است (بلتاجی، ۲۰۰۰: ۲۸۲).

از نظر حزب التحریر، عضویت زنان در پارلمان در جاهایی که مستلزم صدور حکم، مانند نصب یا عزل حاکمی باشد، امکان‌پذیر نیست. زیرا پارلمان بخشی از حاکمیت است، و زنان نمی‌توانند در حاکمیت مشارکت کنند. اما ورود زنان به پارلمان و فعالیت در آن فقط در اموری همچون نظارت و کنترل و تبلیغ امکان‌پذیر است (النبهانی، ۲۰۰۳: ۸۴). در عین حال، حزب التحریر بر امکان ورود زنان به مجلس ملی تأکید داشت. زیرا مجلس ملی با پارلمان متفاوت است (همان: ۸۹).

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که حزب التحریر مشارکت زنان در پارلمان را به دلیل تنافی با اسلام نمی‌پذیرد. زیرا پارلمان جزئی از نظام سرمایه‌داری و مردم‌سالاری است که حزب التحریر آن را کفر می‌داند و عمل کردن به آن را جایز نمی‌داند (زلوم، ۱۹۹۰: ۱۲).

حزب الدعوة بر مشارکت زنان در پارلمان تأکید داشت (البرنامج السیاسی لحزب الدعوة، ۶۷)، و حتی به زنان این حق را داد که خود را کاندیدای این سمت کنند (همان: ۶). جنبش مقاومت اسلامی (حماس) مشارکت زنان در پارلمان را تأیید کرد. زیرا حماس زن را در تصمیم‌گیری سیاسی شریک می‌داند. شاهد این سخن مطرح کردن نام سیزده زن از لحظه شروع در اولین تجربه پارلمانی است (www.islamonline.net).

سوم. مشارکت زنان در مشاغل عمومی

با گسترش بخش‌های اداری دولت، کارکرد امروزه دولت نیز وسیع‌تر شده است. در این نوشتار، مقصود از مشاغل عمومی، قوه قضاییه و مسئولیت‌های سیاسی است که شامل وزارت‌خانه و نیز مسئولیت‌های اداری مرتبط با نحوه اداره کشور می‌شود. نگرش جنبش‌های اسلامی به قرارگرفتن زنان در مشاغل عمومی متفاوت بود. جنبش اخوان المسلمین در ابتدای دعوت خویش، سرپرستی زنان برای منصب قضاوت را به دلیل مخالفت اسلام نپذیرفت (الدباغ، ۲۰۰۴: ۱۷۷). همچنین، این جنبش بر مشارکت‌نداشتن زنان در مسئولیت‌های سیاسی تأکید کرد. اخوان المسلمین معتقدند مطالبه زنان در احقاق حقوق سیاسی‌شان مخالف دین اسلام است. زیرا چنین مطالبه‌ای مطلوب اسلام نیست (همان: ۱۷۶).

توجیه اخوان المسلمین در خصوص مخالفت اسلام با ورود زنان به عرصه سیاسی در مسئولیت‌هایی نظیر وزارت، نخست‌وزیری، فرماندهی ارتش، و مدیریت امور مالی^{۱۹} به دلیل احترام به زنان، و حفظ کرامت و شخصیت آنها است که سرمایه زنان است؛ علاوه بر اینکه برخی از حرفه‌ها نیازمند تلاش فیزیکی بسیار، سخت و خشن است که خداوند اینها را در وجود زنان قرار نداده است. زیرا طبیعت و جوهره زن کاملاً در تنافی با این امور است. بنابراین، زن باید از همه اینها به دور باشد (همان: ۱۷۷).

با وجود این، جنبش اخوان فعالیت زنان را در حرفه‌های متعددی چون تجارت، پزشکی، وکالت، و هر شغلی که درآمد مشروعی داشته باشد، بلامانع می‌داند، به شرط اینکه در محیطی سالم (عقیف) و با حفظ پوشش و حفظ نوع رفتارشان باشد (میتشل، ۱۹۷۹: ۴۱۳؛ زهمول، ۱۹۸۵: ۱۰۳). البنا نیز بر همین مواضع تأکید کرد، با این توضیح که جامعه در برخی از تخصص‌ها، مثل مامایی و تدریس در مدارس دختران، نیازمند وجود زنان است. بنابراین، زنان می‌توانند به شغل‌هایی که متناسب با فطرت و شأنشان است ورود پیدا کنند، به شرط اینکه به شرف و کرامتشان آسیبی نزنند (البنا، ۱۹۹۰: ۲۵؛ الطحان، ۱۹۹۹: ۴۳).

حزب التحریر امکان قضاوت را به زنان می‌دهد. النبهانی صراحتاً اعلام می‌دارد که زنان می‌توانند به قضاوت و حسبه دست یابند.^{۲۰} قاضی حاکم نیست، بلکه منازعات میان مردم را حل و فصل می‌کند، و مردم ملتزم به پذیرش رأی او هستند (همان: ۸۱). از سوی دیگر، جنبش حزب التحریر اشتغال زنان در همه مشاغل عمومی را ممکن می‌داند، به جز ریاست جمهوری، معاونت رئیس‌جمهوری، استانداری و هر شغلی که متضمن صدور حکم باشد (راضی، ۲۰۰۶: ۲۴۵). استدلالی که این جنبش بر گفته‌های خویش اقامه کردند حدیث پیامبر اکرم بود: «لن یفلح قوم ولوا امرهم امرأة»^{۲۱} (النسائی، ۱۹۹۱: ۴۶۵/۳). این حدیث کسانی را که حاکمیت را به زنان می‌دهند، آشکارا مذمت می‌کند (النبهانی، ۲۰۰۳: ۸۱). اما در آنچه شامل صدور حکم نیست، جنبش حزب التحریر به زنان این امکان را می‌دهد که در مشاغل مختلف دولتی خدمت کنند. زیرا این شغل‌ها مستلزم صدور حکم نیست و از باب اجاره است. یعنی شخص کارمند نزد دولت اجیر است (همان: ۸۲؛ راضی، ۲۰۰۶: ۲۱۴).

حزب الدعوه اسلامی علاوه بر تشویق زنان به ورود در زمینه‌های اجتماعی که آنها را برای کشف ذات خودشان آماده می‌کند، بر ورود زنان به مسئولیت‌های مختلف دولتی، به‌ویژه در سیاست، تأکید دارد (البرنامج السياسي لحزب الدعوة، ۶۷). بنابراین، حزب الدعوه اجازه فعالیت زنان در مشاغلی همچون تدریس، پرستاری، پزشکی، تشکیل سازمان‌ها و انجمن‌های زنانه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی را می‌دهد (همان: ۶۸-۶۹).

جنبش حماس امکان اشتغال زنان در مشاغل عمومی به جز رهبری را می‌دهد، و زنان را برای احقاق حقوق سیاسی‌شان تشویق می‌کند. جنبش حماس صرفاً به گفتار بسنده نکرد و فراتر از آن رفت و خانمی را در کابینه خود در فلسطین به وزارت در امور زنان برگزید (خویره، بی‌تا: ۱).

نتیجه

شکی نیست که زنان حقوق کامل خود را در کتاب و سنت به دست آورده‌اند. بنابراین، نیازی به مطالبه حقوق مجدد ندارند. زیرا تمام حقوقشان به‌وضوح در قرآن و سنت تبیین شده است و می‌توان اقرار کرد که عملکرد و نگرش و ایدئولوژی جنبش‌های اسلامی بسیار به مضامین آیات قرآن و روایات در خصوص حقوق زنان نزدیک است. بنابراین، هر یک از جنبش‌های اسلامی بنا بر ایدئولوژی خود به موضوع زنان پرداختند و تمام جنبش‌های اسلامی هم‌نوا با تعالیم شریعت اسلامی بر ضرورت تعلیم زنان و رسیدن زنان به فرهنگ متعالی از راه تحصیل علم، با هدف خدمت به خویش، خانواده و جامعه، تأکید داشتند.

دیدگاه جنبش‌های اسلامی درباره مشارکت سیاسی زنان تقریباً به یکدیگر نزدیک بوده است. تمام جنبش‌ها شرکت در انتخابات و رأی‌دادن زنان را امکان‌پذیر، و زن را در انتخاب شخص شایسته مختار دانستند.

درباره مشارکت زنان در عضویت در پارلمان بیشتر جنبش‌های اسلامی به امکان مشارکت زنان روی آوردند، مگر جنبش حزب التحریر که قائل به ممکن‌نبودن مشارکت زنان در پارلمان بود، در حالی که قائل به مشارکت زنان در شوراهای مردمی شد.

نقطه اختلاف میان جنبش‌های اسلامی در قضاوت زنان و مشاغل عمومی بود. بنابراین، برخی به ناممکن بودن حضور زنان در مسئولیت‌های سیاسی و نظامی، مثل وزارت و رهبری ارتش، روی آوردند. جنبش اخوان المسلمین این اندیشه را می‌پذیرفت. اما برخی دیگر از این جنبش‌ها مشاغل عمومی و وزارت را نه تنها برای زنان جایز می‌دانستند بلکه زنان را به احقاق این حقوق تشویق می‌کردند. در نهایت، تمامی جنبش‌های اسلامی بر حضور اجتماعی زنان در جامعه و ورود زنان به مشاغل همچون آموزش، پزشکی و مامایی اتفاق نظر داشتند. زیرا زنان می‌توانند در این زمینه‌ها خلاق و پیشرو باشند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بنا در ۱۹۰۶ در شهر بحیره در مصر متولد شد. دبیرستان خود را در شهرستان محمودیه به پایان رساند و سپس به دانشکده دارالعلوم در قاهره پیوست. بعد از فارغ‌التحصیلی، به تدریس در قاهره مشغول شد و در ۱۹۴۹ ترور شد (نک: شوریحی، ۱۹۹۹: ۶۴-۶۵).
۲. النبهانی در ۱۹۰۹ در روستای اجزم در فلسطین متولد شد. تحصیلات متوسطه را در روستای خود به پایان رساند. سپس برای ادامه تحصیل به الأزهر رفت. بعد از فارغ‌التحصیلی به فلسطین بازگشت. ابتدا معلم شد و سپس به سمت قاضی منصوب گردید. او چندین اثر از خود بر جای گذاشت که مهم‌ترین آنها عبارت است از: *اندیشه اسلامی، پیام به جهان اسلام، نظام اجتماعی در اسلام*. وی در ۱۹۷۷ فوت کرد (نک: امین، بی‌تا: ۷۶).
۳. صدر در ۱۹۳۴ در شهر کاظمیه عراق متولد شد. سپس برای تحصیل علوم اسلامی در ۱۹۴۸ به نجف منتقل شد. چندین اثر از خود بر جای گذاشته است که مهم‌ترین آنها *فلسفه ما و اقتصاد ما* است. صدر در ۱۹۸۰ اعدام شد.
۴. خبرهای رسمی و موثق اشاره دارد که تأسیس این حزب به سال ۱۹۵۷ و دیدار صدر، در منزل محسن حکیم، باز می‌گردد (نک: المؤمن، ۲۰۰۴: ۳۵).
۵. احمد یاسین در روستای الجوره از توابع المجدل در نوار غزه و در ۱۹۳۸ متولد شد. وی معلم ادبیات عرب و علوم دینی بود و نیز به عنوان سخنران در مدرسه و مساجد غزه فعال بود. شیخ یاسین چندین بار دستگیر شد و در ۲۰۰۴ به دست نیروهای اسرائیلی ترور شد (حسن یوسف، ۲۰۰۵: ۸۰).

۶. یعنی مردان از لحاظ عشق به ثروت و دارایی با زنان برابرند، هر دو جنس با یک غریزه (برابر) به دنیا می‌آیند، و در اصل کرامت انسانی با یکدیگر برابرند. در عین حال زنان در برخی مسائل، به‌ویژه احساسات، شجاعت، جسارت و حیا، با مردان تفاوت دارند.

۷. قومی که امورشان را به عهده زنان واگذارند هرگز رستگار نمی‌شوند.

۸. الحسبه، از تشکیلات اداری و دینی است که گاه وظیفه آن حل اختلافات مربوط به نظم عمومی و جنایات است. حسبه از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است. برخی فقها حسبه را فقط به نظم عمومی محدود کرده‌اند، مانند مسدودکردن جاده‌ها، مساجد، بازارها، مدارس و کافه‌ها، اما کم‌کم دایره آن گسترش یافت و شامل جلوگیری از شلوغی در معابر عمومی و جلوگیری از کم‌فروشی (احتکار) هم شد. برخی معتقدند حیطه حسبه گسترده‌تر است و به منع اختلال در امنیت عمومی (عبث) رسیده است؛ مانند برخی از نهادهایی که امروزه این وظیفه را بر عهده دارند (پلیس و بهداشت) (نک: عزت النخياط، ۲۰۰۴: ۲۵۷-۲۵۹).

۹. در ۱۸۰۱ در طهطا متولد شد. در همان دوران کودکی از طهطا به قاهره مهاجرت کرد، و تحصیلات خود را در قاهره گذراند و دانش آموخته الأزهر است. با کمک محمد علی (حاکم آن وقت) برای تحصیل به فرانسه اعزام شد. پس از بازگشت به عنوان مترجم برای مدارس فنی کار می‌کرد. نقش برجسته‌ای در ایجاد روزنامه *الوقائع المصرية* داشت. وی چندین تألیف داشت که از مهم‌ترین آنها می‌توان به *تخلیص الابریر فی تخلیص باریس*، و کتاب *المرشد الامین للبنات والبنین* اشاره کرد. در ۱۸۷۳ از دنیا رفت (نک: النجار، بی‌تا: ۵۵-۵۶).

۱۰. افغانی در ۱۸۳۹ در کابل متولد شد. تحصیلات متوسطه خود را در کابل گذراند و در ۱۸۶۹ مجبور به مهاجرت به هند و سپس در ۱۸۷۱ به استانبول شد و سرانجام به قاهره سفر کرد. او انجمن «العروة الوثقی» را تأسیس کرد. وی در ۱۸۹۷ فوت شد (نک: اسماعیل، بی‌تا: ۴۲).

۱۱. عبده در ۱۸۴۹ در شهر البحیره واقع در مصر متولد شد. تحصیلات متوسطه خود را در مسجد احمدی گذراند و سپس به الأزهر رفت. وی شاگرد افغانی، و شدیداً تحت تأثیر اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه وی بود. عبده در تأسیس انجمن (العروة الوثقی) مشارکت داشت. وی مفتی مصر شد و در ۱۹۰۵ از دنیا رفت (نک: عماره، ۱۹۷۰: ۲۲-۲۴).

۱۲. وی در ۱۸۵۴ در حلب و در خانواده‌ای تحصیل‌کرده متولد شد. تحصیلات متوسطه خود را در مدرسه الکوکیه گذراند، و برای ادامه تحصیل به انطاکیه رفت. سپس تخصص خود را در علم تاریخ، فلسفه علوم انسانی و علوم دینی اخذ کرد. وی کارمند رسمی در دولت عثمانی هم بود. چندین تألیف از

او به جا مانده که مهم‌ترین آنها طبائع الاستبداء و مصارع الاستبعاد و ام القرى است. وی در ۱۹۰۲ فوت کرد (نک: الدهان، ۱۹۶۴: ۱۶-۱۷).

۱۳. وی در ۱۸۶۵ در روستای القلمون واقع در جبل لبنان و در نزدیکی طرابلس شام متولد شد. در روستای خود علوم دینی را فرا گرفت. در ۱۸۹۷ به قاهره منتقل شد. چندین تألیف از وی به جا مانده که مهم‌ترین آن الخلافة است. در ۱۹۳۵ از دنیا رفت (نک: اسماعیل، بی تا: ۴۴).

۱۴. السباعی در ۱۹۱۵ در سوریه و در خاندانی که به علم شهرت داشتند متولد شد. وی انجمن‌های خیریه اسلامی و برنامه‌های اجتماعی بسیاری تأسیس کرد. در ۱۹۳۳ به مصر سفر کرد و در همان جا با حسن البنا آشنا شد. زمانی که به سوریه برگشت گروه جنبش اخوان المسلمین را تأسیس کرد. چندین تألیف از وی به جا مانده که مهم‌ترین آنها الاخوان فی حرب فلسطين و المرأة بین الفقه والقانون است. در اوایل ۲۰۰۸ ترور شد (نک: العقیل، ۲۰۰۰: ۲۵۶).

۱۵. گروه اخوان المسلمین در طول تاریخش نگاه یکسان و ثابتی به مردم‌سالاری نداشت. این گروه در زمان حسن البنا مردم‌سالاری را پذیرفتند، اما دیری نپایید که در دوره ریاست عبدالناصر، مردم‌سالاری را رد کردند و بر چیزی تأکید داشتند که «نظام شورای اسلامی» نامیده شد، اما در زمان ریاست انوار السادات و حسنی مبارک این جنبش، به‌ویژه بعد از شرکت در انتخابات ۱۹۸۷، پذیرای مردم‌سالاری شدند (نک: قادر، ۲۰۰۴: ۱۳۳-۱۳۷).

۱۶. قوای قانون‌گذاری در اسلام با نظام‌های امروزه و قوانین اساسی معاصر، متفاوت است. در اسلام تنها قانون‌گذار خداوند است. در نظام اسلامی بر قانون‌گذاری سه مسند تکیه می‌کنند: قرآن، سنت، و آرای مجتهدان. اما در نظام‌های غیراسلامی قانون‌گذار متکی بر قانون اساسی آن کشور است (نک: الخیاط، ۲۰۰۴: ۲۳۳-۲۳۵).

۱۷. مقصود از مرد بیگانه هر مردی است که در حال یا آینده امکان ازدواج با آن زن را داشته باشد (زیدان، ۲۰۰۰: ۱۸۲/۳).

۱۸. در بین علما و مفسران و فقها در وجوب پوشاندن صورت و کفین اختلاف است. برخی به جواز کشف صورت و کفین رأی دادند؛ مانند مسلم، بخاری، ابوداود ترمذی، ابن حزم و برخی از شافعیان. این در حالی است که برخی به مجازنبودن کشف صورت و کفین رأی دادند، مانند احمد بن حنبل (نک: زیدان، ۲۰۰۰: ۱۹۰-۱۹۹).

۱۹. پس از آن دکتر یوسف القرضاوی درخواست کرد امکان قضاوت زنان و آمر به معروف و ناهی از منکرشدن، وزارت، و حتی آنچه متناسب با شأن زنان در وزارت است، به آنان اعطا کنند (القرضاوی، بی تا: ۱۷۶).

زن در اندیشه جنبش‌های اسلامی معاصر در مشرق عربی / ۱۴۱

۲۰. النبهانی تأکید دارد امکان دادستانی برای زنان وجود ندارد. زیرا یکی از وظایف دادستان صدور احکام است که این با ماهیت زنان سازگاری ندارد (نک: النبهانی، ۲۰۰۳: ۸۱).

۲۱. قومی که امورشان را به عهده زنان واگذارند هرگز رستگار نمی‌شوند.

منابع

قرآن کریم.

«لقاء مع الشيخ احمد ياسين زعيم حركة (حماس)» (۱۹۹۸). مجلة فلسطين المسلمة، س ۱۶، ش ۱.

مجلة المنار: العدد الرابع والثلاثون لسنة ۱۳۵۲ هـ (۱۹۳۴). القاهرة: مطبعة المنار المصرية، الطبعة الاولى.

ابو عمرو، زياد (۱۹۹۳). «(حماس) خلفية تاريخية سياسية»، مجلة الدراسات الفلسطينية، ش ۱۳. ابو فارس، محمد عبد القادر (۲۰۰۰). حقوق المرأة المدنية والسياسية في الاسلام، عمان: دار الفرقان للنشر والتوزيع، الطبعة الاولى.

اسماعيل، طارق؛ اسماعيل، جاكلين (بي تا). الحكومة في الاسلام، ترجمة: سيد حسان، مصر: مركز دراسات الحضارة العربية للاعلان والنشر، الطبعة الاولى.

الاسمر، حلمي (۱۹۹۹). الحركة الاسلامية في الاردن، في محمد اشتية: الفكر السياسي للحركات الاسلامية - تجربة مصر والاردن و فلسطين، فلسطين: المركز الفلسطيني للدراسات الاقليمية، الطبعة الاولى.

الاعمال الكاملة لمحمد عبده (۱۹۷۲). بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر، الطبعة الاولى، ج ۱.

الامام محمد عبده مجدد الاسلام، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر، الطبعة الاولى. امين، صادق (بي تا). الدعوة الاسلامية فريضة شريعة و ضرورة بشرية، بي جا: دار الطباعة والنشر الاسلامية.

امين، عثمان (١٩٦٥). رائد الفكر المصرى الامام محمد عبده، القاهرة: مكتبة الانجلو المصرية، الطبعة الثانية.

ايش، يوسف (١٩٧٩). رحلات الامام محمد رشيد رضا، بي جا: المؤسسة العربية للدراسات والنشر. الباجورى، جمال محمد فقى رسول (١٩٨٦). المرأة فى الفكر الاسلامى، جامعة الموصل: دار الكتب للطباعة والنشر، ج ٢.

البخارى، محمد بن اسماعيل (٢٠٠٣). صحيح البخارى، القاهرة: مطابع دار البيان الحديث، الطبعة الاولى، ج ٢.

البرغوثى، ايداد (١٩٩٩). الحركة الاسلامية فى الضفة الغربية، فى محمد اشتية: الفكر السياسى للحركات الاسلامية - تجربة مصر والاردن و فلسطين، فلسطين: المركز الفلسطينى للدراسات الاقليمية، الطبعة الاولى.

البرنامج السياسى لحزب الدعوة الاسلامية، منشورات حزب الدعوة فى ١٤٢٥ هـ الموافق ٢٠٠٤ م. برهومة، محمد (١٩٩٩). اهداف حركة (حماس) فى عبد الله ابو عيد و اخرون: دراسة فى الفكر السياسى لحركة المقاومة الاسلامية (حماس)، تحرير: جواد الحمد و ايداد البرغوثى، عمان: مركز دراسات الشرق الاوسط، الطبعة الثالثة.

بلتاجى، محمد (٢٠٠٠). مكانة المرأة فى القرآن والسنة الصحيحة، الحقوق السياسية والاجتماعية والشخصية للمرأة فى المجتمع الاسلامى، دراسة مؤصلة موثقة مقارنة، القاهرة: دار السلام للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الاولى.

البناء، جمال (١٩٩١). رسالة الى الدعوات الاسلامية من دعوة العمل الاسلامى، القاهرة: دار الفكر الاسلامى.

البناء، حسن (١٩٩٠). المرأة المسلمة، اخرج الحديث و راجعه: محمد ناصر الالبانى، القاهرة: مكتب السنة.

البناء، حسن (١٩٩٠). مذكرات الدعوة والداعية، القاهرة: مطابع الزهراء للاعلام العربى، الطبعة الاولى.

زن در اندیشه جنبش‌های اسلامی معاصر در مشرق عربی / ۱۴۳

بيان حزب التحرير المقدم للحكومة الاردنية بتاريخ ۱۹ رمضان سنة ۱۳۷۲ الموافق (۱) حزيران ۱۹۳۵۳.

جامع، محمود (۲۰۰۳). و عرفت الاخوان، القاهرة: دار التوزيع والنشر الاسلامية، الطبعة الاولى.
الحاج سعيد، ميساء صباح حامد (۲۰۰۶). المرأة في فكر رواد حركة النهضة العربية الحديثة، دراسة تاريخية، اطروحة دكتوراة (غير منشورة) كلية التربية، جامعة الموصل.
الحاكم النيسابوري، محمد بن عبد الله (۲۰۰۲). المستدرک على الصحيحين، دراسة و تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الرابعة، ج ۴.

حجازي، محمد فهمي (۱۹۷۴). اصول الفكر العربي الحديث عند الطهطاوي مع النص الكامل لكتابه «تخليص الابريز»، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

حزب التحرير، منشورات حزب التحرير في ۱۹/۵/۱۹۸۵.

الخرسان، صلاح (۱۹۹۹). حزب الدعوة الاسلامية: حقائق و وثائق، دمشق: المؤسسة العربية للدراسات والبحوث الاستراتيجية، الطبعة الاولى.

خضر، اسمي (۱۹۹۹). قوانين العمل و حقوق الانسان في الوطن العربي، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية، الطبعة الاولى.

خويره، سامر (۲۰۱۶/۵/۱۶). «حوار مع وزيرة المرأة الفلسطينية الدكتورة مريم محمود صالح»، www.islamonline.net

خويره، سامر (بي تا). «برلمانيات حماس: لا حجاب بالاكراه»، www.islamonline.net.

الخياط، عبدالعزيز عزت (۲۰۰۴). النظام السياسي في الاسلام: النظرية السياسية نظام الحكم، القاهرة: دار السلام للطباعة والنشر والتوزيع والترجمة: الطبعة الثانية.

الدباغ، ايمان عبد الحميد محمد (۲۰۰۴). جمعية الاخوة الاسلامية في العراق، ۱۹۴۹-۱۹۵۴ رسالة ماجستير غير (منشورة)، كلية الاداب، جامعة الموصل.

الدهان، سامي (۱۹۶۴). عبد الرحمن الكواكبي ۱۸۵۴-۱۹۰۲، القاهرة: دار المعارف.

رضا، محمد رشيد (بي تا). نداء للجنس اللطيف يوم المولد النبوي الشريف ۱۳۵۱، بي جا: مطبعة المنار.

- رضى محمد محسن (٢٠٠٦). حزب التحرير: ثقافته و منهجه فى اقامة دولة الخلافة الاسلامية، رسالة ماجستير غير منشورة، كلية اصول الدين، الجامعة الاسلامية.
- زلوم، عبد القديم (١٩٩٠). الديمقراطية نظام كفر يحرم اخذها و تطبيقها او الدعوة اليها، بى جا: بى نا.
- زهمول ابراهيم (١٩٨٥). الاخوان المسلمين: اوراق تاريخية، بى جا: دار نبيل.
- زيدان، عبد الكريم (٢٠٠٠). المفصل فى احكام المرأة و بيت المسلم فى الشريعة الاسلامية، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية، ج ٣.
- السباعى، مصطفى (بى تا). المرأة بين الفقه والقانون، حلب: المكتبة العربية، الطبعة الثانية.
- السجستاني، سليمان ابن الاشعث (بى تا). سنن ابى داوود، تحقيق: محمد محيى الدين عبد الحميد، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر، ج ١.
- شوريجى، احمد حسن (١٩٩٩). الامام الشهيد حسن البنا مجدد القرن الرابع عشر للهجرة، تقديم: مصطفى مشهود، الطبعة الثانية، الاسكندرية: دار الدعوة للطبع والنشر والتوزيع.
- الشيال، جمال الدين (١٩٥٨). رفاة رافع الطهطاوى ١٨٠١-١٨٧٣، القاهرة: دار المعارف.
- الصدر، محمد باقر (٢٠٠٢). المرجع والفكر القائد، منشورات حزب الدعوة الاسلامية، بغداد: مطبعة دار العلوم.
- الطبرانى، سليمان بن حمد (١٩٩٩). المعجم الاوسط، تحقيق: محمد حسن اسماعيل الشافعى، الاردن، عمان: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الاولى، ج ١.
- الطحان، مصطفى (١٩٩٩). المرأة فى موكب الدعوة، تقديم: الشيخ محمد عبد الله الخطيب والدكتور خالد المذكور، مصر: دار التوزيع والنشر الاسلامية، الطبعة الاولى.
- الطحان، مصطفى (بى تا). تحديات سياسية تواجه الحركة الاسلامية، تقديم: محمد عمارة، القاهرة: دار التوزيع والنشر الاسلامية، الطبعة الثانية.
- الطهطاوى، رفاة رافع (١٩٧٣). المرشد الامين للبنات والبنين فى كتاب محمد عمارة: الاعمال الكاملة لرفاعة رديافع الطهطاوى، السياسية الوطنية والتربية، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر، الطبعة الاولى، ج ٢.

زن در اندیشه جنبش های اسلامی معاصر در مشرق عربی / ١٤٥

عبد الحمید، محسن (١٩٩٩). تاریخ الاخوان المسلمین فی العراق من عام ١٩٢٥-١٩٦٥، بی جا: بی نا.

عطاء الله، علا (بی تا). «الفلسطینیات والانتخابات دور ام دیکور»، www.islamonline.net.
العقاد، عباس محمود (بی تا). الاستاذ محمد عبده عبقری الاصلاح والتعليم، بی جا: دار مصر للطباعة.

العقيل، عبد الله (٢٠٠٠). من اعلام الحركة الاسلامية، بی جا: دار التوزيع والنشر الاسلامية.
العك، خالد عبد الرحمن (٢٠٠٣). شخصية المرأة فی ضوء القرآن والسنة، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الخامسة.

عمارة، محمد (١٩٧٠). الاعمال الكاملة لعبد الرحمن الكواکبی، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للتأليف والنشر.

قادر، عامر سلطان (٢٠٠٤). مفهوم الديمقراطية لدى الحركات والتنظيمات السياسية فی المشرق العربی المعاصر، اطروحة دكتوراة غير (منشورة) كلية التربية، جامعة الموصل.
القرضاوی، يوسف (بی تا). من فقه الدولة فی الاسلام: مکانتها، معالمها، طبيعتها، موقفها من الديمقراطية والتعددية والمرأة و غیر المسلمین، بی جا: دار الشروق.

القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج (بی تا). صحیح مسلم، بیروت: دار احیاء الکتب العربية، ج ٣.
الکواکبی، عبد الرحمن (١٩٧٠). «ام القرى»، فی: محمد عمارة، الاعمال الكاملة لعبد الرحمن الکواکبی، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للتأليف والنشر.

المتوکل، محمد عبد الملك (٢٠٠٥). «الاسلام و حقوق الانسان»، فی کتاب برهان غلیون و اخرون، حقوق الانسان الرئی العالمية والاسلامية والعربية، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية، الطبعة الاولى.

محمد، عبد الحمید ابراهیم (بی تا). المرأة فی الاسلام، تقديم: احمد محمد الحونى، بی جا: الدار القومية للطباعة والنشر.

محمد، على جمعة (٢٠٠٦). المرأة في الحضارة الاسلامية بين نصوص الشرع و تراث الفقه والواقع المعيش، القاهرة: دار الاسلام، الطبعة الاولى.

محمود، على عبد الحليم (بي تا). جمال الدين الافغانى، جدة: دار عكاظ للطباعة والنشر. المخزومي، محمد باشا (١٩٦٥). خاطرات جمال الدين الافغانى، لبنان: دار الفكر الحديث، الطبعة الثانية.

مديرية الامن العامة، قسم الدراسات الامنية، الدراسة الرابعة (حزب الدعوة). المؤمن، على (٢٠٠٤). سنوات الجمر: مسيرة الحركة الاسلامية فى العراق ١٩٥١-١٩٨٦، بيروت: المركز الاسلامى المعاصر، الطبعة الثالثة.

ميثيل، ريتشارد (١٩٧٩). الاخوان المسلمون، ترجمة: محمود ابو السعود، تعليق: صالح ابو رفيق، بي جا: بي نا، الطبعة الاولى.

ميثاق حركة المقاومة الاسلامية (حماس). النهانى، تقى الدين (٢٠٠٣). النظام الاجتماعى فى الاسلام، بيروت: دار الامة للطباعة والنشر، الطبعة الرابعة.

النجار، حسين فوزى (بي تا). رفاعة رافع الطهطاوى رائد فكر و امام نهضة، القاهرة: الدار المصرية للتأليف والترجمة.

النسائى، احمد بن شعيب (١٩٩١). كتاب السنن الكبرى، تحقيق: عبد الغفار سليمان البنداوى و سيد كسروى حسن، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى، ج ٣ و ٥.

الواعى، توفيق يوسف (٢٠٠١). الفكر السياسى المعاصر عند الاخوان المسلمين، دراسة تحليلية ميدانية موثقة، بي جا: مكتبة المنار الاسلامية، الطبعة الاولى.

وثائق حركة المقاومة الاسلامية (حماس)، الوثيقة ١٩٩٠. يوسف، بشار حسن (٢٠٠٥). الحركات الاسلامية المعاصرة فى المشرق العربى، ١٩٤٥-١٩٩١،

دراسة تاريخية سياسية، اطروحة دكتوراة (غير منشورة)، كلية التربية، جامعة الموصل.